

تلورانس تحویل در معاملات بورسی

ابراهیم عبدی پور فرد^۱ / سید مرتضی شهیدی^۲

چکیده

مطابق ضوابط و مقررات معامله و نیز تسویه در بورس، مورد معامله در محدوده خطای مجاز تحویل و یا به عبارت دیگر در تلورانس تحویل مجاز به خریدار واصل می‌گردد؛ بدین معنی که فروشنده ممکن است در زمان تحویل مورد معامله به خریدار، اقدام به تحویل کمتر یا بیشتر از میزان اعلام شده در اطلاعیه عرضه نماید. در صورتی که کالای تحویلی کمتر باشد، فروشنده ملزم به رد مبلغ مازاد به خریدار خواهد بود و در صورتی که کالای تحویلی بیشتر باشد، خریدار ملزم به پرداخت مبلغ مازاد به فروشنده می‌باشد. با عنایت به اینکه تردیدهایی در معلوم و معین بودن مورد معامله در این حالت پیش می‌آید و نیز با توجه به اینکه در قوانین و مقررات موضوعه (ماده ۳۸۴ قانون مدنی) در برخی از این حالات احکامی از جمله اختیار فسخ برای احد متعاملین مقرر گردیده است، در این مقاله پس از بیان دامنه شمول، مفهوم و احکام تلورانس تحویل، به بررسی اختیار فسخ و نیز نقش اراده در این موضوع پرداخته خواهد شد.

واژگان کلیدی: تلورانس، تحویل، بورس، اراده، مورد معامله، فسخ.

طبقه‌بندی موضوعی: K22 پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

۱. دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه قم

۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه قم shahidi351@yahoo.com

۱- مقدمه و بیان مسأله

مطابق قواعد عمومی قراردادها یکی از شرایط اساسی صحت معامله عبارت است از معلوم و معین بودن مورد معامله (بند ۳ ماده ۱۹۰ قانون مدنی). معلوم بودن مورد معامله نوعاً در خصوص اعیان معین، با مشاهده و در خصوص اعیان کلی با ذکر مقدار، جنس و وصف حاصل می‌گردد. معین بودن مورد معامله را هم حقوقدانان به عدم تردید حمل کرده و در مقابل تزلزل اراده متعاملین قرار می‌دهند (کاتوزیان، ۱۳۸۵ و شهیدی، ۱۳۷۷). پیش شرط تحقق این دو خصیصه هم وجود مورد معامله است؛ بدین معنی که هیچ قرارداد فاقد موضوعی دارای اعتبار نبوده و باطل محسوب می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۵). در واقع شرط اولیه معامله، موضوعی است که قرار بر انعقاد قرارداد بر آن بین متعاملین می‌شود و بعد از آن است که سایر شرایط از جمله معلوم و معین بودن قابل طرح و بررسی خواهند بود. علاوه بر شرط اساسی اخیرالذکر، در ماده ۳۸۴ قانون مدنی حکمی در خصوص اختلاف در میزان کالای مورد معامله و میزان کالای تحویلی مقرر شده است که هر دو مسأله اخیرالذکر نیاز به تطبیق با مقررات بورسی دارد؛ چراکه در برخی موارد، انطباق مقررات معاملاتی بورس با قواعد عمومی و احکام قانونی محل تردید به نظر می‌رسد.

دو شبهه فوق‌الذکر ریشه در فرآیندی به نام «تلورانس تحویل» در مقررات معاملاتی بورس کالا و بورس انرژی دارد. به موجب مقررات حاکم بر معاملات در بورس‌های کالایی اعم از بورس کالای ایران و بورس انرژی، فروشنده ناگزیر از تحویل کالای مورد معامله به همان میزان مندرج در اطلاعیه عرضه منتشرشده نبوده و تا میزانی مشخص قادر بر تحویل کمتر یا بیشتر کالا است که بدان تلورانس تحویل اطلاق می‌گردد. البته چنین واژه‌ای در مقررات متنوع با عباراتی همچون «تلورانس تحویل» (بند ۱۰ ماده ۱ دستورالعمل تسویه و پایاپای معاملات بورس کالای ایران و بند ۱۹ ماده ۱ دستورالعمل ثبت و سپرده‌گذاری کالا و اوراق بهادار مبتنی بر کالا و تسویه و پایاپای معاملات در بورس انرژی)، «تلورانس تحویل مجاز» (ماده ۲۳ دستورالعمل تسویه و پایاپای معاملات بورس کالای ایران) و «خطای مجاز تحویل» (بند ۶ ماده ۱ دستورالعمل معاملات کالا و اوراق بهادار مبتنی بر کالا در بورس کالای ایران و بند ۲۲ ماده ۱ دستورالعمل معاملات کالا و اوراق بهادار مبتنی بر کالا در بورس انرژی) مورد اشاره قرار گرفته است که تمامی آن‌ها حاوی یک معنا می‌باشند.

تلورانس تحویل یا خطای مجاز تحویل مطابق نص مقررات فوق‌الذکر عبارت است از «میزان مجاز تفاوت وزن کالای تحویلی نسبت به کالای معامله‌شده که توسط هیئت پذیرش بورس تعیین و در قالب امید نامه منتشر می‌گردد». آنچه در این تعریف قابل تأمل و بررسی این است که آیا در عقد بیع،

امکان تحویل کالا در میزانی متفاوت از مقدار معامله شده وجود دارد؟ در صورت پاسخ مثبت، چه توجیهی برای آن هست؟ و بالاخره این که از نظر قواعد عمومی قراردادها چه ایرادات یا آثاری بر آن بار می‌شود؟ این تحقیق بر آن است تا ضمن پاسخ به سؤالات فوق به تحلیل موضوع «تلورانس تحویل» در معاملات بورسی بپردازد. در این مقاله ابتدا به بیان دایره اجرایی موضوع پرداخته خواهد شد و سپس مفهوم و انواع تلورانس تحویل مورد اشاره قرار می‌گیرد و در نهایت به بررسی میزان انطباق آن با قواعد عمومی قراردادها پرداخته می‌شود.

۲- دامنه شمول

تلورانس تحویل در معاملات بورسی اولاً در حوزه تحویل یا تسلیم کالا در عقد بیع توسط فروشنده قرار دارد و ثانیاً چنین امری منحصر در بازارهای فیزیکی بورس‌های کالایی است و منصرف از بورس‌های اوراق بهادار می‌باشد. مناسب است در بندهای مستقل به این امور اشاره گردد.

تحویل کالا در معاملات بازار فیزیکی بورس‌های کالایی بر دوش طرف فروشنده (اعم از کارگزار یا مشتری کارگزار) می‌باشد. با عنایت به این که در معاملات بورسی اشخاص از طریق کارگزاران اقدام به خرید و فروش نموده و بنا بر اصل و ضرورت نیابت در این گونه بازارها، خریدار و فروشنده به طور مستقیم در تعامل باهم نیستند (عبدی‌پور، ۱۳۹۱) و کارگزاران ایشان هستند که مسئولیت تحویل را بر دوش خواهند کشید. مطابق ماده ۱۹ دستورالعمل معاملات کالا و اوراق بهادار مبتنی بر کالا در بورس کالای ایران «تحویل کالای موضوع قراردادهای نقد، نسیه و سلف طبق زمان تحویل اعلام شده در اطلاعیه عرضه توسط کارگزار فروشنده انجام می‌گیرد...» در عین حال، مقررات گذار در ماده ۲۳ همین دستورالعمل، چنین تکلیفی را بر عهده فروشنده قرار داده است. مطابق این ماده «فروشنده مکلف است کالای معامله شده را در محدوده تلورانس تحویل مجاز، به خریدار تحویل دهد». تناقضی که جز بر تسامح واضح مقررات نمی‌توان حمل کرد؛ چراکه در معاملات بورسی مسئولیت بر عهده کارگزاران است نه خریداران یا فروشندگان که هیچ شناختی نسبت به همدیگر نداشته و فقط از طریق واسطه وارد عرصه معاملات گشته‌اند. با این وجود، فروشنده نیز در مقابل کارگزار خویش مسئول و متعهد به برخی امور از جمله تحویل کالا به خریداران می‌باشد که شاید حکم مقرر در ماده ۲۳ دستورالعمل اخیرالذکر ناظر به آن بوده است. منشأ چنین تناقضی هم به نظر می‌رسد در قصور نقش انبارهای نگهداری کالاهای استاندارد در بورس کالا باشد. در واقع در بورس‌های کالایی جهان انبارهایی تحت نظارت اتاق پایاپای وجود دارند که خریداران و فروشندگان

بازار بورس ملزم به تحویل کالای خویش به انبار بوده و این انبار است که از طرف آنان اقدام به تحویل کالا به خریدار می‌نماید؛ به مانند نقشی که اتاق‌های پایاپای در بورس‌های اوراق بهادار ایفاء می‌کنند (شرکت بورس کالای ایران، ۱۳۹۲). در واقع همان‌طوری که تحویل و تحوّل اوراق بهادار به‌صورت مستقیم توسط طرفین قرارداد بورسی صورت نگرفته و تسویه و پایاپای از طریق اتاق‌های تسویه و پایاپای صورت می‌گیرد، در بورس‌های کالایی هم چنین امری بر عهده اتاق‌های پایاپای است تا خریداران با اطمینان خاطر از تحویل کالای منطبق با اطلاعات منتشرشده در اطلاعیه عرضه اقدام به معامله در بورس نمایند. به دلیل اینکه سیستم انبارداری و قبض‌های انبار در بورس کالای ایران هنوز راه‌اندازی نشده است، تناقض در بیان و نیز تردید در مسئول نهایی تحویل کالا در مقررات چندان هم بلا وجه نیست؛ چراکه از یک‌طرف کارگزاران فروشنده دارای انبار یا کارخانه تولید کالای فروخته‌شده نیستند تا در صورت امتناع مشتری خویش اقدام به تحویل کالا نمایند و از طرفی هم رو در رو کردن خریداران بورس کالا با فروشندگان چندان با نظام معاملاتی بورسی به‌ویژه اطمینان‌بخشی از لحاظ تحویل کالا سازگار نمی‌باشد.

تلورانس تحویل صرفاً در بورس‌های کالایی مجاز است. بورس‌های کالایی شامل بورس کالا و بورس انرژی، بازارهایی متشکل و خودانتظام هستند برای داد و ستد کالا و اوراق بهادار مبتنی بر کالا توسط کارگزاران و یا معامله‌گران. این تعریف از بند ۳ ماده ۱ قانون بازار اوراق بهادار در خصوص «بورس اوراق بهادار» اقتباس گشته است که در آن به‌جای کالا یا اوراق بهادار مبتنی بر کالا، اوراق بهادار شامل سهام شرکت‌ها و اوراق مشارکت و سایر ابزارهای مالی ناشران مورد داد و ستد قرار می‌گیرد. چنین اقتباسی به دلیل عدم اعتنای قانون‌گذار بازار اوراق بهادار سال ۱۳۸۴ در خصوص بورس‌های کالایی در مقابل بورس‌های اوراق بهادار است؛ بی‌اعتنایی که ریشه در قانون تأسیس بورس اوراق بهادار مصوب ۱۳۴۵ دارد. با این وجود، مقررات‌گذار بازار سرمایه ایجاد و انتظام بخشی چنین بورس‌هایی را پی گرفته و دستورالعمل‌های مربوط به معاملات در این بازارها و نیز تسویه و پایاپای آن را به تصویب رسانده است.

همان‌گونه که در فوق اشاره شد، بحث مربوط به تلورانس تحویل منحصر در مقررات مربوط به بازار فیزیکی بورس‌های کالایی گشته و در مقررات مشتقه بدان اشاره‌ای نشده است. حتی در خصوص معاملات بورس انرژی که قواعد مربوط به بازار فیزیکی و مشتقه از هم جدا ذکر شده، بحث از تلورانس تحویل در قسمت مربوط به بازار فیزیکی جای گرفته است (تبصره ۲ ماده ۳۵ دستورالعمل معاملات کالا و اوراق بهادار مبتنی بر کالا در بورس انرژی). شاید چنین امری ناشی از فقدان یا عدم

استقبال از تحویل کالا در بازار مشتقه باشد که در اکثر قریب به اتفاق آنها قبل از سررسید مشتقه منجر به تسویه نقدی می‌گردد. لیکن در بازار فیزیکی که فعالان بازار در آن بر اساس تحویل فیزیکی کالا پیش می‌روند، سخن از تحویل و تحول و نیز ضوابط آن ضروری است و بر همین اساس هم در مقررات مربوط به بازار فیزیکی این بورس‌ها مباحثی بدان اختصاص یافته است.

مطابق مقررات، در بورس‌های کالایی آنچه مورد معامله قرار می‌گیرد عبارت است از «قرارداد»؛ تعبیری که در معرفی انواع قراردادها در ماده ۹ دستورالعمل معاملات در بورس کالا به کار رفته است. به موجب این ماده، قراردادهای قابل معامله در بورس کالا شامل قراردادهای نقد، نسیه، سلف، آتی، اختیار خرید و اختیار فروش می‌باشد؛ امری که در خصوص بورس انرژی نیز تکرار گشته و قراردادهای سلف موازی و کشف پرمیوم هم بدان افزوده شده است. به نظر می‌رسد که مورد معامله دانستن قراردادها در بورس کالا و بورس انرژی که مباحثی همچون انتقال قرارداد و امثال آن را به ذهن متبادر می‌نماید- و مد نظر مقررات گذار نیز نبوده است- اولاً ناشی از حکومت ادبیات مالی بر این بازارها و حتی مقررات معاملاتی آنهاست و نه ادبیات حقوقی، ثانیاً به دلیل غلبه بازار مشتقه به جای بازار فیزیکی در بورس‌های کالایی است. در واقع در بازار مشتقه است که قراردادهای تعهدآور بر کالاها با عناوینی همچون آتی یا اختیار و... مورد مبادله قرار می‌گیرند (درخشان، ۱۳۸۳)، در حالی که در بازارهای فیزیکی آنچه مورد معامله طرفین قرارداد می‌باشد، کالا است.

از مجموع انواع قراردادهای فوق‌الذکر آنچه در بازارهای فیزیکی مورد عنایت مقررات گذار می‌باشد عبارت از قراردادهای نقد، نسیه و سلف است که می‌توان سلف موازی و نیز کشف پرمیوم در بورس انرژی را نیز بدان‌ها افزود. بنابراین می‌توان گفت که تحویل موضوع بحث این مقاله در خصوص معاملات نقد، نسیه و سلف در بازارهای فیزیکی بورس‌های کالایی است و بحث مربوط به مشتقات و قواعد مربوط به تحویل در آن و نیز تحویل در بورس‌های اوراق بهادار خارج از موضوع می‌باشد.

۳- مفهوم تلورانس تحویل

تلورانس تحویل در معاملات بورس کالا به معنای جواز فروشنده در تحویل کالا کمتر یا بیشتر از میزان مذکور در اطلاعیه عرضه منتشرشده در بازار می‌باشد. از بین مراحل مختلف معاملات بورسی، بحث تلورانس تحویل در مرحله تسویه بوده و پس از انعقاد و به عبارتی قطعیت قرارداد در بورس کالا

قرار دارد. در واقع بعد از اینکه قرارداد در تالار معاملاتی بورس قطعی شد و گواهینامه انجام معامله^۱ توسط بورس صادر شد، مرحله تسویه که شامل پرداخت مبالغ و نیز تحویل کالا است آغاز می‌گردد که تلورانس تحویل در این مرحله از معامله مطرح می‌شود.

بعید نیست که عبارت تلورانس در مقررات بورس، از ادبیات صنعتی و مهندسی وارد بازار مالی و مقررات معاملاتی شده باشد؛ چراکه تلورانس یا رواداری در علوم صنایع و مهندسی به میزان تفاضل بزرگ‌ترین و کوچک‌ترین اندازه مجاز قطعه کار گویند که ابعاد قابل قبول برای یک قطعه است و کنترل صحیح آن توسط مهندس طراح، می‌تواند در اقتصادی‌تر شدن خط تولید و همچنین دستیابی به کیفیت مورد نیاز آن قطعه کمک شایانی کند (محمودزاده و همکاران، ۱۳۸۶). تلورانس تحویل مجاز هم در واقع میزان مغایرت قابل قبول کالای تحویلی با مقدار اعلام شده در اطلاعیه‌های قبلی است که در معاملات بورس مجاز شناخته شده است.

۴- قواعد تلورانس تحویل

آنچه که بر عهده فروشنده یا کارگزار وی به‌عنوان متعهد تحویل کالا قرار دارد عبارت است از تحویل کالا در محدوده تلورانس مجاز. تلورانس مجاز تحویل هم یکی از اطلاعاتی است که توسط هیئت پذیرش بورس‌ها تعیین و در قالب امید نامه به اطلاع خریداران و فعالان بازار می‌رسد (بند ۱۰ ماده دستورالعمل تسویه و پایاپای در بورس کالا).

ماده ۲۳ دستورالعمل تسویه در بورس کالا حکم کلی ضرورت تحویل کالا در محدوده تلورانس را متذکر شده و در طی دو تبصره جداگانه به احکام تلورانس تحویل پرداخته است که تبصره ۱ آن ناظر بر تلورانس مثبت و تبصره ۲ آن ناظر بر تلورانس منفی است.

تلورانس تحویل در معاملات کالایی در دو شکل قابل پیش‌بینی است؛ در یک حالت کالای تحویل شده کمتر از میزان مقرر در اطلاعیه عرضه و در حالتی دیگر، کالای تحویلی مازاد بر میزان مقرر در اطلاعیه عرضه می‌باشد. در فرضی که کالای تحویلی کمتر از میزان باشد، معامله اصطلاحاً در تلورانس تحویل منفی قرار خواهد داشت و در فرضی که کالای تحویلی بیشتر باشد، معامله در تلورانس تحویل مثبت قرار می‌گیرد.

۱. گواهینامه انجام معامله سندی است که در پایان معاملات، پس از تأیید کارگزار خریدار و فروشنده و ناظر معاملات از طریق سامانه معاملاتی به اتاق پایاپای ارسال می‌گردد (بند ۲۹ ماده ۱ دستورالعمل معاملات بورس کالا).

کلیه احکام مربوط به تلورانس تحویل مجاز، در مقررات مربوط به تسویه و پایاپای بورس‌های کالا و انرژی تعیین شده است. ماده ۲۳ دستورالعمل تسویه بورس کالا و ماده ۶۱ دستورالعمل بورس انرژی به این امر اختصاص دارد که با تعابیری مشابه و البته با ملاحظه شرایط و فعالان هر یک به آن پرداخته شده است. به همین جهت برای بررسی آن به ذکر یکی از این مواد اکتفا کرده و هرگونه تحلیلی را به تناسب می‌توان بر دیگری هم‌بار کرد.

۴-۱- تلورانس تحویل مثبت

در فرض تلورانس تحویل مثبت، فروشنده اقدام به تحویل کالا مازاد بر میزان مقرر در اطلاعیه عرضه می‌نماید. در این فرض خریدار موظف به پرداخت ثمن معامله به همان میزان مازاد و تسویه قرارداد خویش بر این مبنا خواهد بود. در تبصره ۱ ماده ۲۳ دستورالعمل تسویه بورس کالا در این خصوص مقرر شده که «در صورتی که حجم کالای تحویل شده در محدوده تلورانس تحویل مثبت باشد، تسویه وجوه ناشی از تلورانس تحویل، قبل از تحویل آخرین محموله کالا توسط خریدار به فروشنده پرداخت می‌شود...». مطابق این ماده خریدار موظف به پرداخت وجه مازاد به فروشنده می‌باشد و در مقابل هم فروشنده قادر بر عدم تحویل آخرین محموله کالا به خریدار و منوط کردن آن به تسویه وجه مازاد می‌باشد؛ اختیاری که حق حبس و گروکشی در سایر معاملات را به ذهن متبادر می‌نماید.

در تلورانس تحویل مثبت در صورتی که فروشنده از اختیار خویش در حبس آخرین محموله انصراف دهد و قبل از دریافت وجوه مازاد، آن را تحویل خریدار نماید، مقررات بورسی هیچ حمایتی از فروشنده در تسویه کامل قرارداد نخواهد نمود؛ چرا که وی به اختیار خویش از این حق مقرر در دستورالعمل صرف نظر نموده است. مطابق بند اخیر تبصره ۱ ماده ۲۳ دستورالعمل فوق، «در صورت تحویل کالا با تلورانس مثبت و عدم دریافت وجه، مسئولیت تحویل آخرین محموله با فروشنده بوده و بورس، شرکت و کارگزاران طرف معامله در این خصوص مسئولیتی ندارند».

۴-۲- تلورانس تحویل منفی

در فرض تلورانس منفی، فروشنده اقدام به تحویل کالا کمتر از میزان مقرر در اطلاعیه عرضه می‌نماید. در واقع با اینکه وی در هنگام تسویه معامله، وجه کالا را مطابق با مفاد اطلاعیه عرضه دریافت کرده است و لیکن هنگام تحویل کالا از میزان آن کاسته و کمتر از مقدار مقرر تحویل می‌نماید. در این فرض که در تبصره ۲ ماده ۲۳ دستورالعمل فوق‌الذکر احکام آن پیش‌بینی شده است، فروشنده ملزم به

رد مبلغ مازاد دریافتی به خریدار خواهد بود. مطابق مقرره اخیر «در صورتی که حجم کالای تحویل شده در محدوده تلورانس تحویل منفی باشد، فروشنده مکلف است حداکثر ظرف یک ماه از تاریخ تحویل آخرین محموله نسبت به تسویه حساب با خریدار اقدام نماید...». ضمانت اجرای تخلف فروشنده از تسویه حساب با خریدار، اختیار رجوع خریدار به اتاق پایاپای جهت وصول وجه مازاد خویش از محل وثایق تودיעی فروشنده نزد اتاق می‌باشد. مطابق بند بعدی تبصره ۲ ماده فوق «... در غیر این صورت خریدار می‌تواند حداکثر تا ۲ ماه پس از تحویل آخرین محموله از طریق کارگزار خود درخواست دریافت وجه مربوطه را به اتاق پایاپای ارائه نماید. این مبلغ از محل وجوه یا وثایق فروشنده نزد اتاق پایاپای و در صورت عدم تکافو از محل وجوه یا وثایق کارگزار فروشنده پرداخت خواهد شد...».

۵- میزان انطباق با قواعد عمومی

همان‌گونه که گفته شد، فروشنده در تحویل کالای فروخته‌شده به خریدار در محدوده تلورانس اعلامی از طرف هیئت پذیرش، مجاز به تحویل کالا کمتر یا بیشتر از میزان مقرر در اطلاعیه عرضه می‌باشد. چنین اختیاری از چند جهت قابل تشکیک است؛ از یک طرف فروشنده و خریدار بایستی عالم به میزان کالای مورد معامله بوده و به عبارتی مورد معامله باید معین و معلوم باشد در حالی که تردید در میزان کالای تحویلی چنین علم و تعینی را خدشه‌دار می‌کند و از طرفی با مفاد ماده ۳۸۴ قانون مدنی که مقرر می‌دارد «هرگاه در حال معامله مبیع از حیث مقدار معین بوده و در وقت تسلیم کمتر از آن مقدار در آید مشتری حق دارد که بیع را فسخ کند یا قیمت موجود را با تأدیه حصه‌ای از ثمن به نسبت موجود قبول نماید و اگر زیاده از مقدار معین باشد زیاده مال بایع است»، متعارض جلوه می‌کند؛ چراکه این ماده معامله را در مازاد مبیع محقق ندانسته و در ملکیت بایع می‌داند و کم بودن مبیع را عاملی برای حق فسخ خریدار یا تقلیل ثمن محسوب می‌کند در حالی که از نظر مقررات تلورانس تحویل، خدشه‌ای در معامله و اعتبار آن صورت نمی‌پذیرد و اختیار فسخی برای خریدار ایجاد نمی‌گردد.

۵-۱- معلوم و معین بودن مورد معامله

در خصوص اینکه تلورانس در تحویل کالا باعث خدشه در شرط اساسی معلوم و معین بودن مورد معامله می‌شود، بایستی به بررسی مفاد قرارداد و مقررات معاملاتی و تأثیر تلورانس در میزان علم طرفین

پرداخت. در معاملات بورس کالا، فروشنده قبل از هر چیزی از طریق کارگزار، اتاق پایاپای و بورس و در راستای اعلام مورد معامله و ارائه جزئیات اطلاعات مربوط به آن، اقدام به انتشار «اطلاعیه عرضه» در بورس می‌نماید (مواد ۱۱، ۱۲ و ۱۳ دستورالعمل معاملات در بورس کالا). این اطلاعات از جمله شامل مشخصات و حجم کالای قابل عرضه، حداکثر افزایش عرضه توسط عرضه‌کننده، نوع معامله، قیمت پایه، تاریخ عرضه، نام عرضه‌کننده و تولیدکننده، نوع تسویه شامل نقدی یا اعتباری و در صورت تسویه اعتباری تعیین میزان دقیق بخش نقدی و اعتباری و همچنین ذکر اسناد مورد نیاز جهت تسویه، زمان‌بندی و مکان تحویل، نوع بسته‌بندی، محدودیت نوسان قیمت پایه، محدودیت نوسان قیمت مجاز در صورت وجود، واحد پایه تخصیص، حداقل خرید، حداقل خرید جهت کشف نرخ، حداقل تغییر قیمت سفارش و حداکثر خرید در صورت وجود، می‌باشد.^۱ این اطلاعات که ناظر بر مورد معامله و سایر شرایط آن است در خصوص تلورانس تحویل کالا و اختیار فروشنده در تحویل کمتر یا بیشتر از میزان اعلامی چیزی را مقرر نکرده است و لیکن در تبصره ۲ ماده ۱۳ دستورالعمل معاملات بدان اشاره شده است. در این مقرر آمده که «سایر اطلاعات عمومی کالا از جمله خطای مجاز تحویل، استاندارد کالا و هزینه انبارداری در قالب امید نامه منتشر می‌شود. اطلاعات منتشره در قالب امید نامه جزء لاینفک اطلاعیه عرضه است». با این وجود در مقررات مربوط به معاملات و تسویه در بورس کالا و انرژی تعریفی از امید نامه نیامده است تا بتوان به استناد آن، «جزء لاینفک اطلاعیه عرضه» را تفسیر کرد. البته مقررات گذار در بند ۱ ماده ۱ دستورالعمل پذیرش کالا و اوراق بهادار مبتنی بر کالا در بورس کالای ایران اقدام به تعریف «امید نامه» کرده و در این زمینه مقرر داشته که امید نامه «مجموعه اطلاعاتی است که بورس ملزم است در زمان درج نام یک کالا یا اوراق بهادار مبتنی بر کالا در فهرست نرخ‌های بورس، جهت اطلاع عموم در سایت رسمی خود منتشر نماید».

علی‌رغم اینکه در مقررات بورس کالا به معرفی «امید نامه» به شرح فوق پرداخته شده است و لیکن ذکری از مفاد آن از جمله «خطای مجاز تحویل» به میان نیامده است که البته با رجوع به مقررات مربوط به بورس انرژی قابل رفع می‌باشد. در ماده ۴۶ دستورالعمل پذیرش کالا و اوراق بهادار مبتنی بر کالا در بورس انرژی به مصادیق امید نامه اشاره شده که شامل نام، مشخصات و استانداردهای دارایی پایه، معرفی و شرح ویژگی‌های بازار نقدی دارایی پایه، آمار تولید، مصرف، واردات و صادرات دارایی پایه، تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان عمده داخلی و خارجی، قوانین خاص حاکم بر تولید، مصرف،

۱. جهت دریافت تعاریف این عبارات به ماده ۱ دستورالعمل معاملات کالا و اوراق بهادار مبتنی بر کالا در بورس کالای ایران مراجعه شود.

قیمت گذاری، واردات یا صادرات دارایی پایه، روند تغییرات قیمت داخلی و بین‌المللی دارایی پایه طی ۳ سال گذشته و مشخصات عرضه‌کننده اوراق بهادار مبتنی بر کالا حسب مورد می‌شود که باز اثری از تعیین میزان تلورانس تحویل در آن نمی‌توان یافت. رجوع به نمونه امیدنامه‌های منتشره توسط بورس کالا هم نشانگر عدم درج تلورانس تحویل کالا در این اسناد منتشر شده می‌باشد که ضروری است نسبت به رفع ایراد آن اقدام لازم صورت پذیرد.

فارغ از ایرادات فوق‌الذکر و در فرضی که در امید نامه به تلورانس تحویل کالا اشاره شده باشد بایستی همچنان تأثیر آن در معلوم و معین بودن مورد معامله را بررسی کرد. در یک ادعا می‌توان گفت که چون خریداران و فروشندگان بازار بورس کالا با ورود به آن به صورتی ضمنی اقدام به قبول کلیه مقررات مصوب مراجع ذیصلاح نموده‌اند و بدین نحو شرایط و ضوابط مربوط به تلورانس تحویل را هم مورد توافق خویش قرار داده‌اند بنابراین به اراده خویش تفاوت و نوسان در میزان کالای تحویلی را پذیرفته و غرر و جهل ناشی از آن را مرتفع نموده‌اند و با این روش عامل نزاع (جهل و غرر) را پیشاپیش از بین برده‌اند. در واقع طرفین قرارداد به موجب امید نامه منتشر شده توسط بورس که جزئی لاینفک از اطلاعیه عرضه می‌باشد، تحویل کالا در محدوده نوسان مشخص را پذیرفته و معامله را به صورت شناور در آن دامنه منعقد نموده‌اند.

علاوه بر این، در عدم اختلال تلورانس در قرارداد و معلوم بودن مورد معامله می‌توان به شواهدی از سابقه انضمام امر مجهول به شیء معلوم تمسک جست. در واقع همان گونه که توابع مورد معامله ممکن است به نحو دقیق مشخص نشده باشند و لیکن معامله همچنان معتبر تلقی می‌گردد و همان طوری که طرفین قراردادها در برخی موارد شیء مجهول را جهت مصونیت از ایراد جهل به انضمام شیء معلوم مورد معامله قرار می‌دهند و ایرادی بر صحت معامله وارد نمی‌گردد (محقق داماد و همکاران، ۱۳۸۹). در تلورانس تحویل هم طرفین قرارداد در مقدار مشخص و معلوم توافق نموده و نسبت به میزان تلورانس، قرارداد را آزاد و رها باقی می‌گذارند. شیء مجهول (میزان تلورانس) به انضمام شیء معلوم (میزان اعلام شده منهای تلورانس) است که مورد معامله در بورس بوده و صحیح تلقی می‌گردد.

۵-۲- اختیار فسخ معامله و تلورانس تحویل

اشکال قابل تصور در خصوص بحث تلورانس تحویل در بازار فیزیکی بورس‌های کالایی امکان تعارض آن با مفاد قانون مدنی به‌ویژه ماده ۳۸۴ و حق فسخ مندرج در آن است. ضمانت اجرای اختلاف میزان کالای تحویلی با میزان توافق شده توسط متعاملین در قانون مدنی، غیر از ضمانت‌های

مقرر در دستورالعمل‌های بورسی می‌باشد. در حالی که مطابق قواعد عمومی قراردادها و نظر اساتید حقوق ایران «در فرضی که مبیع از مقدار معین کم تر است تعهد تجزیه می‌شود و پولی که در برابر مبیع خیالی و ناموجود پرداخته شده است به خریدار باز می‌گردد، برعکس، در موردی که مبیع زیادتر از مقدار معین است آن مقدار فروخته نشده است و به فروشنده داده می‌شود» (کاتوزیان، ۱۳۸۷) مطابق مقررات بورسی در صورت کم بودن کالای تحویلی، فروشنده مجبور به رد ثمن مازاد به خریدار می‌شود و در صورت زیاد بودن کالای تحویلی، خریدار ملزم به پرداخت باقیمانده ثمن خواهد بود.

در فرضی که کالای تحویلی کمتر از میزان مقرر باشد (تلورانس منفی تحویل)، حکم مقرر در قانون مدنی و مقررات بورسی نزدیک به هم به نظر می‌آید؛ چرا که مطابق هر دو، فروشنده متعهد به رد ثمن اخذ شده به خریدار می‌باشد و آن‌هم به دلیل اینکه در مقابل آن میزان ثمن، عوضی از سوی فروشنده تحویل خریدار نگردیده است. با این وجود در این فرض هم اختلاف احکام همچنان باقی است؛ چرا که در ماده ۳۸۴ قانون مدنی برای چنین خریداری فسخ معامله مقرر شده است در حالی که در مقررات بورسی برای خریدار، اختیاری برای برهم زدن قرارداد پیش‌بینی نگشته است. حقوقدانان کشور مبنای اختیار فسخ معامله در ماده ۳۸۴ قانون مدنی را تبعض صفقه پیش‌آمده می‌دانند به این دلیل که در فرض مزبور پرداخت ثمن در مقابل عوضی قرار نگرفته و مبیع در عالم واقع به آن میزان، وجود خارجی نداشته است و بنابراین در این قسمت باطل و نسبت به قسمت موجود صحیح خواهد بود؛ امری که مقدمات جریان خیار تبعض صفقه را فراهم می‌آورد (کاتوزیان، ۱۳۸۳). بنابراین حکم بطلان امری نیست که طرفین قرارداد یا مقررات‌گذار بازار سرمایه از آن چشم‌پوشی نموده و صحت معامله را در بازار تقویت نماید. در واقع در فرضی که معامله بورس کالا با تلورانس منفی مواجه می‌گردد، به مانند معامله غیربورسی قرارداد در آن حدود که مبیع مفقود است بایستی باطل محسوب شود و بالتبع خریدار چنین معامله‌ای بنا بر خیار تبعض صفقه اختیار فسخ معامله را داشته باشد در حالی که در معاملات بورسی به چنین اختیاری تصریح نشده است. بنابراین این سؤال پیش می‌آید که آیا خریدار چنین فرضی به استناد ماده ۳۸۴ قانون مدنی و بنا بر اختیار ناشی از تبعض صفقه، می‌تواند درخواست فسخ معامله را نماید؟

پاسخ به سؤال فوق منفی است، لیکن این نفی نه به دلیل عدم جریان خیار تبعض صفقه در معاملات بورسی است بلکه به دلیل عدم جریان کلیه اختیارات موضوع قانون مدنی در این بازار است. نسبت به جریان اختیارات در معاملات بورس کالا که در قالب بیع مال کلی، قابل تحلیل است، رجوع به مبانی اختیارات و امکان تسری آن در معاملات بورس کالا ضروری خواهد بود. در یک تقسیم اولیه اختیارات

را به دو گروه اختیارات مختص به بیع و اختیارات مشترک منقسم می‌نمایند (کاتوزیان، ۱۳۸۳). اختیارات مختص بیع به حکم ماده ۴۵۶ قانون مدنی عبارتند از خیار مجلس و حیوان و تأخیر ثمن. از بین اختیارات مختص بیع، نظر به اختصاص خیار تأخیر ثمن نسبت به بیع عین معین و نیز فقدان معاملات حیوان در بورس کالا، این دو عامل تزلزل قرارداد از بحث خارج گشته و تردید نسبت به جریان خیار مجلس باقی می‌ماند. ذکر این نکته لازم است که چون اصل نیابت بر معاملات بورسی حاکم بوده و افراد مستقیماً قادر به انجام معامله نمی‌باشند (عبدی‌پور، ۱۳۹۱)، بنابراین مورد بحث منحصر در امکان اعمال خیار مجلس توسط نماینده در بورس کالا خواهد بود. برخی حقوقدانان در بحث اعمال خیار مجلس در مواردی که عقد توسط وکیل واقع می‌شود، مأموریت یک شخص برای خرید اوراق بهادار در بورس به قیمت معین را مثال آورده و شخص مأمور را نماینده واقعی ندانسته و وی را صرفاً فرستاده و ابزار انتقال و بیان اراده اصیل تلقی نموده‌اند و بالتبع حکم به فقدان صلاحیت نماینده جهت اعمال اختیارات از جمله خیار مجلس داده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۴). حال آنکه در معاملات بورسی بازیگر اصلی میدان معامله نماینده‌ای است که اقدام به انجام معامله در چنین بازاری نموده و حتی در مقابل طرف معامله متعهد و مسئول می‌باشد؛ لذا به طریق اولی دارای اختیارات اصیل در اعمال اختیارات خواهد بود. منتها آنچه در این خصوص باقی مانده است عبارت از این است که انعقاد معاملات بورسی از طریق سامانه معاملاتی صورت می‌پذیرد و به‌مانند عقود که به شکل مکاتبه یا تلفنی منعقد می‌شوند (بیگیان، ۱۳۹۱)، محلی برای اجتماع و مجالست طرفین آن نیست تا مفارقت و بالتبع زوال خیار موضوعیت داشته باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۴). علاوه بر این، استثنائی بودن خیار مجلس در حقوق ایران توجیه‌گر مناسبی برای محدود ساختن آن، به استناد اصل لزوم قراردادها و نیز ضرورت حفظ استواری معاملات بالاخص در بازار سرمایه می‌باشد.

در بحث قواعد عمومی اختیارات مشترک نیز، اختیارات با دو مبنا معرفی شده‌اند؛ اختیاراتی که بر مبنای تراضی صریح یا ضمنی طرفین قرارداد استوارند و اختیاراتی که به حکم قانون و برای جبران ضرر ناروا یا اجرای عدالت اجتماعی به نفع متضرر ایجاد شده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۳). با این وجود نسبت به مبنای اختیارات مختلف نظر واحدی در فقه و حقوق ارائه نشده و در این خصوص شاهد تشتت آراء علماء و حقوقدانان هستیم و لیکن نسبت به برخی از آنها اتفاق آراء وجود دارد؛ از جمله اینکه مبنای اختیاراتی همچون خیار شرط، تراضی طرفین قرارداد مبنی بر فسخ آن در صورت اراده یکی از آنان یا شخص ثالث می‌باشد که نسبت به عدم جریان آن در معاملات بورس کالا تردیدی نیست. در واقع همان‌طوری که اقاله و توافق طرفین قرارداد تأثیری در انحلال معاملات بورسی ندارد، جعل چنین

اختیاراتی خارج از چارچوب مفاد دستورالعمل‌ها و مقررات بازار فاقد اعتبار بوده و حداقل در بورس، وقعی بر آن نهاده نمی‌شود. همان‌گونه که ماده ۳۰ دستورالعمل تسویه و پایاپای در بورس کالا بدین تعبیر نسبت به چنین امری صحه گذاشته است که «در صورتی که میان خریدار و فروشنده و یا نمایندگان قانونی آنها در خصوص نحوه پرداخت وجه معامله، تحویل کالا و یا سایر شرایط معامله توافقی خارج از شرایط اعلامی در اطلاعیه عرضه و ضوابط و مقررات مصوب بورس صورت گرفته باشد، مسئولیت ایفای تعهدات با طرفین (خریدار و فروشنده) بوده و شرکت، بورس و کارگزاران طرف معامله هیچ‌گونه مسئولیتی در قبال آن نخواهد داشت...». چنین حکمی در خصوص خیار تخلف از شرط هم جاری است؛ چراکه با مهمل دانستن توافقات خارج از چارچوب مقررات بورسی، محلی برای اشتراط و بالتبع خیار ناشی از تخلف از آن باقی نخواهد ماند. ضمن اینکه در این خیار، اقدام اولیه ذی‌الخیار در الزام متخلف نسبت به اجرای عین تعهد است در حالی که در بورس کالا اصولاً اصراری بر تحویل کالا وجود نداشته و بالتبع الزام به اجرای عین تعهد نیز منتفی است.

برخی اختیارات مشترک نیز بنا بر اختصاص آنان به بیع اعیان معینه، نسبت به معاملات بورس کالا جاری نبوده و حقی برای طرفین آن ایجاد نمی‌کند، از جمله خیار عیب، رویت و تخلف وصف و تدلیس. در خصوص خیار غبن و امکان ادعا و اعمال آن در معاملات بورسی بایستی به این نکته توجه داشت که هر چند در معاملات معوض و در صورت نابرابری فاحش بین عوضین به هنگام داد و ستد و جهل مغبون نسبت به ارزش واقعی، اختیار فسخ معامله برای زیان‌دیده وجود دارد (کاتوزیان، ۱۳۸۳) و لیکن همان‌طوری که در عقود مسامحی و مبتنی بر احسان ادعای عدم جریان خیار شده است، در عقود مبتنی بر ریسک آن هم در بازاری کاملاً شفاف با اطلاعات روشن نیز می‌توان ادعای نفی خیار غبن کرد. ضمن اینکه در ثبوت تکک تکک شرایط فوق‌الذکر در معاملات بورسی بنا بر مقدمات تشریفاتی، تردید جلدی و خدشه وارد است. علاوه بر این، چون معیار فاحش بودن غبن، قیمت عادلانه بوده و چنین قیمتی در بورس‌ها به بهترین نحو کشف و اعلام می‌شود، ادعای غبن نسبت به چنین قیمتی، نفی سیستم کشف قیمت و سامانه مستقر در آن است که قابل قبول به نظر نمی‌رسد (کاتوزیان، ۱۳۸۳).

نسبت به جریان خیار تبعض صفقه در معاملات بورسی حتی بر فرض شمول احکام آن نسبت به تمام موارد بطلان و یا انفساخ بخشی از قرارداد نیز به تبع سایر اختیارات می‌توان ادعای نفی کرده و تبعض صفقه را در چنین معاملاتی منتفی دانست (کاتوزیان، ۱۳۸۳)؛ چراکه در معاملات بورس کالا و همه بورس‌ها، فلسفه چینش کلیه تشریفات مقدماتی برای استواری و سلامت قراردادهای می‌باشد به نحوی که مجالی برای بروز عوامل بطلان یا انفساخ وجود ندارد و یا در صورت وجود هم بنا بر مصالح

عالیه استواری معاملات در این بازار، نادیده گرفته می‌شود. علاوه بر این، بر فرض ثبوت خیار هم می‌توان اسقاط پیشاپیش آن توسط طرفین را به اراده ضمنی ایشان منتسب کرد؛ چراکه خریدار و فروشنده با علم به مفاد مقررات معاملات و تسویه در بورس اقدام به معامله نموده‌اند که مطابق تبصره ۲ ماده ۲۳ دستورالعمل تسویه در بورس کالا «... فروشنده مکلف است حداکثر ظرف یک ماه از تاریخ تحویل آخرین محموله نسبت به تسویه حساب با خریدار اقدام نماید. در غیر این صورت خریدار می‌تواند حداکثر تا ۲ ماه پس از تحویل آخرین محموله از طریق کارگزار خود درخواست دریافت وجه مربوطه را به اتاق پایاپای ارائه نماید...». محدودیت خریدار در درخواست وجه مربوطه و عدم اختیار فسخ معامله در این ماده بیانگر مدعای اخیر است.

۶- اراده معامله و تلورانس مثبت تحویل

در فرضی که معامله با تلورانس مثبت مواجه می‌شود؛ بدین معنی که فروشنده کالایی مازاد بر مقدار مقرر در اطلاعیه عرضه تحویل خریدار می‌نماید، مقررات گذار بازار سرمایه خریدار را ملزم به پرداخت مابازاء مقدار زائد می‌کند در حالی که مطابق ماده ۳۸۴ قانون مدنی «زیاده مال بائع است» و در واقع عقدی نسبت به مازاد بین طرفین صورت نپذیرفته است. حال سؤال این است که آیا در مقررات می‌توان عقدی را که نسبت بدان توسط طرفین توافقی صورت نپذیرفته صحیح دانسته و آثار قراردادی بر آن بار نمود؟

در واقع آنچه در این حالت قابل تأمل به نظر می‌رسد عبارت از ابهام در کیفیت انتساب معامله مازاد، به اراده متعاملین است. همان‌گونه که ذکر شد، در تلورانس تحویل مثبت، فروشنده اقدام به تحویل کالا به میزانی مازاد بر اطلاعیه عرضه می‌نماید و خریدار هم ملزم به تسویه قرارداد در این خصوص خواهد بود؛ بدین معنی که علاوه بر مبلغ ثمن، خریدار بایستی مابازای کالای مازاد تحویلی را هم به فروشنده پرداخت نماید. در این حالت، تعلق اراده فروشنده بر فروش مازاد و نیز تعلق اراده خریدار بر خرید مازاد محل بحث است. در واقع مبنای انعقاد معامله و صحت آن نسبت به مازاد در این حالت چیست؟ فراتر از این حتی ممکن است ادعای مجهول بودن مورد معامله در این خصوص به دلیل مشخص نبودن میزان دقیق مبیع و نیز ثمن گردد که ضروری است بدان پرداخته شود.

پاسخ به سؤال فوق با تردید و خدشه در خود سؤال، قابل دریافت است؛ بدین بیان که ادعای عدم توافق طرفین قرارداد نسبت به مازاد بر اطلاعیه عرضه چندان قابل دفاع نیست زیرا همان‌گونه که در پیش گفته شد، میزان تلورانس مجاز تحویل در قالب امید نامه منتشر شده و جزء لاینفک اطلاعیه عرضه

و توافقات طرفین قرارداد است به نحوی که ادعای جهل به آن نیز مسموع نخواهد بود. بنابراین فرض ماده ۳۸۴ قانون مدنی در حالتی است که طرفین قرارداد، پیشاپیش نسبت به تفاضل بین مورد معامله و کالای تحویلی توافقی ننموده‌اند و قانون‌گذار در مقام تفسیر اراده آنان حکم بر عدم انعقاد عقد نسبت به مازاد نموده که منطبق با واقع هم می‌باشد و لیکن حکم مقرر در قانون مدنی را نباید امری تلقی کرده و هرگونه توافقی برخلاف آن را نفی کرد؛ توافقی که به صورت ضمنی توسط طرفین قراردادهای بورسی محقق می‌گردد.

علاوه بر این جهت پاسخ به سؤال اخیرالذکر می‌توان به مفاد ماده ۱۴۹ قانون ثبت اسناد و املاک هم تمسک کرد. در این ماده مقرر شده که «نسبت به ملکی که با مساحت معین مورد معامله قرار گرفته باشد و بعداً معلوم شود اضافه مساحت دارد ذی‌نفع می‌تواند قیمت اضافی را بر اساس ارزش مندرج در اولین سند انتقال و سایر هزینه‌های قانونی معامله به صندوق ثبت تودیع و تقاضای اصلاح سند خود را بنماید...» در واقع به موجب این ماده علی‌رغم اینکه خریدار، نظر، اراده و قصدی بر خرید مساحت مازاد نداشته است، قانون‌گذار برای وی اختیار پرداخت مابازاء مساحت و تملک آن را داده است؛ امری که در خصوص تلورانس تحویل مثبت کالاهای بورسی هم قابل تسری است. ثمره چنین بحثی در این است که مطابق عموماً قانون مدنی، فروشنده قادر بر امتناع از تحویل میزان مازاد به خریدار بنا بر عدم انعقاد عقد بر روی مازاد می‌باشد و لیکن در فرض ماده ۱۴۹ و نیز تلورانس تحویل مثبت، فروشنده ملزم به تملیک مازاد بنا بر درخواست خریدار می‌باشد، هر چند که در تلورانس تحویل مثبت فروشنده از قبل و با علم اقدام به تحویل مازاد نموده است و از این بابت متحمل امر غیرقابل پیش‌بینی نمی‌گردد.

به اعتقاد نگارنده، تحویل کالای مازاد بر مقدار اعلام شده در اطلاعیه عرضه توسط فروشنده هم منتسب به اراده طرفین قرارداد است و هم اینکه ادعای جهل نسبت بدان فاقد مهمل و توجیه است. کیفیت انتساب معامله مازاد بر اراده خریداران و فروشندگان بورسی بازگشتن به تفسیری است که از مقررات موضوعه در بازارهای خودانتظام به‌ویژه بورس‌ها به عمل می‌آید. در این بازارها، فعالان فاقد اختیار لازم در سیر اراده خویش بوده و صرفاً در مرحله ورود و با شرایط مقرر در آن صاحب اراده آزاد می‌باشند و مابقی مسیر را تسلیم مقرراتی هستند که توسط نهادهای خودانتظام و ناظران آن وضع می‌گردد. چنین امری هم به اقتضای قاعده «الامتناع بالاختر لاینافی الاختیار» خدشه‌ای در انتساب قرارداد و توابع آن از جمله ضرورت فروش یا خرید مازاد، به اراده ایشان وارد نمی‌آورد.

جهل در معامله هم با عنایت به اینکه محدوده تلورانس تحویل مجاز در مقررات بورسی توسط هیئت پذیرش بورس تعیین و در قالب امید نامه منتشر می‌گردد (بند ۱۰ ماده ۱ دستورالعمل تسویه بورس کالا)، قاعداً منتفی است و این میزان شناور بودن مبیع و ثمن باعث بطلان قرارداد به دلیل مجهول بودن مورد معامله نخواهد بود. در واقع مقدار معامله در اطلاعیه عرضه مشخص گردیده است و در ضمن آن، مقررات دستورالعمل معاملات بورسی و نیز تسویه آن مورد پذیرش طرفین قرارداد قرار گرفته است که اگر فروشنده تا حد مشخص شده توسط هیئت پذیرش، اقدام به تحویل کالای مازاد بر اطلاعیه عرضه نماید، خریدار هم ملزم به پرداخت ثمن و مابازای آن خواهد بود؛ امری که نه در اصل معامله و نه در تفسیر آن موجب اختلاف یا جهل نمی‌گردد.

۷- نتیجه‌گیری

در این مقاله ضمن بررسی مفهوم و احکام تلورانس تحویل و نیز دامنه شمول آن در بازار سرمایه، به میزان انطباق آن با قواعد عمومی قراردادها از جمله ضرورت معلوم و معین بودن مورد معامله و نیز نقش فعال اراده در تحقق قرارداد پرداخته شد. نتیجه حاصله این که تلورانس تحویل به مفهوم اختیار فروشنده در تحویل کمتر یا بیشتر کالا از میزان اعلام شده در اطلاعیه عرضه منحصراً در بازارهای فیزیکی بورس‌های کالایی جریان داشته و منصرف از بازار مشتقه بورس‌های کالایی و نیز بورس‌های اوراق بهادار می‌باشد. احکام و شرایط ناشی از تلورانس تحویل به دلیل اینکه در مقررات موضوعه بازار متشکل بورسی توسط نهادهای خودانتظام و ناظرین آن وضع گردیده است، به نحو ضمنی و در بدو ورود به این بازار، مورد پذیرش مشتریان این بازار و فعالان آن بوده و متناسب به اراده ایشان می‌باشد. علاوه بر این چون میزان ماقبل و مازاد کالای تحویلی از مقدار اعلام شده در اطلاعیه عرضه توسط هیئت پذیرش بورس از قبل مشخص می‌گردد، جهلی در میزان مورد معامله باقی نمانده و خدشه‌ای از این بابت بر معامله وارد نمی‌گردد.

جریان اختیارات در معاملات بورسی عموماً و در بازار فیزیکی بورس‌های کالایی خصوصاً مورد بررسی مختصر قرار گرفت و نتیجه حاصل از آن دلالت بر نفی جریان آن در این گونه معاملات دارد. به تبع همین امر هم اختیار فسخ موضوع ماده ۳۸۴ قانون مدنی در فرض تلورانس تحویل منتفی خواهد بود.

تقلیل ثمن در فرض تلورانس منفی تحویل، منطبق با حکم مقرر در ماده ۳۸۴ قانون مدنی می‌باشد و لیکن خیار تبعض صفتقه مقرر در این ماده در خصوص معاملات بورسی منتفی است.

در فرض تلورانس مثبت تحویل که در آن فروشنده اقدام به تحویل کالای مازاد بر میزان مقرر در اطلاعیه عرضه می‌نماید، حکم مقرر در مقررات بورسی با ماده ۳۸۴ قانون مدنی متفاوت است. در مقررات بورسی، مقدار مازاد هم جزء معامله محسوب گشته و «زیاده مال بایع» نیست. در واقع در این فرض متعاملین پیشاپیش نسبت به تفاضل بین مورد معامله و کالای تحویلی توافق نموده و با پیوستن به بازار متشکل بورسی قواعد آن را مورد پذیرش قرار داده‌اند.



منابع و مأخذ

۱. بیگیان، محمدرضا. (۱۳۹۱)، بررسی ماهیت و رژیم حقوقی معاملات در بورس کالا (مطالعه موردی معاملات نقد، نسیه و سلف)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، موسسه آموزش عالی کار.
۲. درخشان، مسعود. (۱۳۸۳)، مشتقات و مدیریت ریسک در بازارهای نفت، تهران، موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی.
۳. شهیدی، مهدی. (۱۳۷۷)، تشکیل قراردادها و تعهدات، تهران، نشر حقوقدان.
۴. شرکت بورس کالای ایران. (۱۳۹۲)، بورس‌های کالایی جهان، گذشته، حال و آینده، تهران، بورس.
۵. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۷)، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، تهران، بنیاد حقوقی میزان.
۶. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۵)، حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، ج ۲، شرکت سهامی انتشار.
۷. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۳)، حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، ج ۵، شرکت سهامی انتشار.
۸. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۴)، حقوق مدنی: معاملات معوض^۱ عقود تملیکی، شرکت سهامی انتشار.
۹. محقق داماد و همکاران. (۱۳۸۹)، حقوق قراردادها در فقه امامیه، ج ۲، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با همکاری سمت.
۱۰. محمودزاده، محمدتقی و دیگران (۱۳۸۶)، تلورانس و انطباقات در سیستم‌های اندازه‌گیری دقیق، تهران، آذریون.